



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

پرسی زندگی

امام حسین علیہ السلام

از ولادت تا شهادت

نسرین امیر پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی زندگی امام حسین علیه السلام از ولادت تا شهادت

نویسنده:

نسرین امیرپور

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	بررسی زندگی امام حسین علیه السلام از ولادت تا شهادت
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۸	میاد سیدالشهداء
۱۰	دوران کودکی سیدالشهداء
۱۱	حسین و نسب
۱۱	حسین و صورت و سیرت
۱۱	حسین بر دوش پیغمبر
۱۲	حسین و فدایی شدن ابراهیم
۱۳	حسین و لباس های مختلف
۱۴	چند روایت در مورد حسنین
۱۶	خصال و مکارم اخلاق سیدالشهداء از زبان رسالت
۱۶	نماز گزاردن حسین بر پدر و برادر و خواهرش
۱۶	حسین و حج خانه خدا
۱۶	حسین و کمک به مستمندان و صفات ممتاز ایشان
۱۷	حسین و شرافت
۱۸	حسین و صبر و شکیبایی
۱۸	حسین و علم و دانش
۱۸	مراحل زندگی حسین بن علی
۲۰	مبارزات حسین بن علی در دوران قبل از امامت
۲۱	در جبهه های نبرد با ناکثین و قاسطین
۲۱	اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران امامت حسین
۲۲	حسین و وفاداری در پیمان معاویه

۲۳	مخالفت حسین با معاویه در بیعت یزید
۲۴	پیام آوران قیام کربلا
۲۵	آثار سیاسی رخداد کربلا در شیعه
۲۶	حکمت شهادت امام حسین
۲۹	سخن آخر
۳۰	نتیجه گیری
۳۰	چکیده
۳۳	درباره مرکز

نوع: مقاله

پدیدآور: امیرپور، نسرین عنوان و شرح مسئولیت: بررسی زندگی امام حسین علیه السلام از ولادت تا شهادت [منبع الکترونیکی] / نسرین امیرپور

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۱۰ بایگانی: ۷۰.۸KB)

موضوع: حسن بن علی (ع)، امام دوم

مقدمه

ای گشته فلک منور از رأی حسین افتاده ملک چو سایه در پای حسین شد رنگ قمر عارض زیبای حسین طوبی خجل از قامت رعناى حسین ای گشته عیان بنزد اقبال حسین دانسته ز قول نبوی حال حسین خواهی که خداوند تو را دارد دوست ر دل جا ده محبت آل حسین ملل پیشرفته جهان ملتی هستند که برای آینده شان از گذشته سرمشق گیرند و مسیر بزرگان آباء و اجداد و اقوام خود را انتخاب کنند تا به مطلوب خود برسند. ملت رستگار آن است که اخبار تاریخی ملی خود را حفظ و در آن سیر کند تا به سرحد کمال نائل گردد. جالب ترین صفحات اوراق گذشته تاریخ شرح حال رجال و پیشوایان جامعه بشری است که برای سعادت خانواده یا ملت خود قیام کرده و گام های بلند برداشته و باخطرات خانمان برافکن مبارزه کرده اند و در نتیجه نسل آینده و اخلاف آن ها از این مجاهدت برای پیشرفت و ارتقاء فردی و جمعی استفاده نموده اند. بهره گیری از سیره بزرگان سنت بشری است که هر قوم و ملتی آداب و عادات حرکات و سکنات کردار و گفتار بزرگان خود را به عمل گذاشته و به صورت شئون ملی و رسوم اجتماعی درآورده است پس مجموعه اندیشه و گفتار و کردار بزرگان یک قوم آداب ملیت و شئون قومیت آن جامعه را تشکیل می دهد. هر که ناموخت از گذشت روزگار هیچ

میلاذ سیدالشهءاء

اشعه آفتاب وجود مبارک «با سوابقی که جبرئیل به پیغمبر خدا از مولود او خبر داده بود» روز پنج شنبه سوم شعبان سال چهارم هجرت در مدینه از مشرق دامان فاطمه زهرا (س) در خانه امیرالمؤمنین (ع) پرتو افکن گردید. او دومین ثمره پیوند فرخنده علی (ع) و حضرت فاطمه (س) بود. حسین بن علی (ع) در دوران خود به شجاعت و آزادگی و ایستادگی در برابر ستم شهرت داشت میلادش مانند زندگانی و شهادتش شگفت انگیز است حضرت در مدت زندگی خود در کنار جدش رسول خدا (ص) با آن حضرت مأنوس بوده و حتی وقت نماز از آن حضرت جدا نمی شد. رسول خدا (ص) سخت به او و برادرش اظهار علاقه کرده و با جملاتی که درباره آنها فرمودند، گوشه ای از فضایل آنها را برای اصحاب بازگو کردند. اکنون در آثار حدیثی شمار زیادی فضیلت برای امام حسین (ع) نقل شده که بسیاری از آنها نظیر حدیث «الحسن و الحسین سیدا شباب أهل الجنة متواتر بوده و یا فراوان نقل شده است بعد از تولد حسین (ع)، بی درنگ او را که شش ماهه به دنیا آمده بود، به حضور پیغمبر خدا (ص) بردند. به اتفاق تمام مورخان رسول خدا کام کودک را با آب دهان خود برداشت و زبان در دهان او گذاشت و او را از شیریه جان خود سیراب کرد و فرمود: «حسین منی و انا من حسین و آن طور که میل داشت حسین را پرورش داد و تربیت کرد تا بزرگ شد. ابن اثیر می نویسد: در زمان تولد امام حسین (ع)، رسول خدا

(ص) در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت و اسراری را به گوش او خواند و اماناتی به او تحویل داد. حسین هم اسرار و امانت جدش را بهتر از هر کس حفظ کرد و به عمل گذاشت در مسیر تاریخ سه نفر شش ماهه به دنیا آمدند. آنچه از تاریخ به دست می آید، سه نفر شش ماهه به دنیا آمده اند: یحیی بن زکریا، عیسی بن مریم و حسین بن علی (ع) عالمان طبیعی اروپا از روی موازین علمی تکامل ثابت کرده اند که جنین آدمی شش ماهه کامل نمی شود و زیست نمی کند. هر مولود شش ماهه ناقص الخلقه می شود؛ زیرا مقدار تکامل سلول های او به حد زیست نرسیده و می گویند هر مولودی باید کمتر از ۲۵۰۰ گرم وزن نداشته باشد و حد کمال جنینی او در نه ماهگی است و حال آن که حسین شش ماهه به دنیا آمد و این قول مورد انفاق فریقین است و از نظر صورت و سیرت هم زیباترین و کامل ترین افراد بشر بود. نه تنها نقصی در او دیده نشد بلکه به کمال جسمانی و رشد کامل روحانی خود رسید. قیام عاقلانه و حکیمانه او مثل اعلائی کیاست و سیاست و نشانه جرئت بود. نباید حساب زندگانی ابی عبدالله را با سایر مردم عادی مقایسه نمود. حسین مرد آسمانی بود و از آب و خاکِ دیگر عجین شده و نشو و نما یافته و سیر فکری او باعث نجات بشر از نابخردی است ابن شهر آشوب می نویسد: پس از تولد حسین فاطمه مریض شد و رسول خدا (ص) دایه خواست حسین از پستان احدی شیر نخورد مگر آن که

چهل شبانه روز از انگشت و زبان پیغمبر (ص) تغذیه کرد تا بزرگ شد.

دوران کودکی سیدالشهداء

امام حسین (ع) تا هفت سالگی زیر نظر مقام نبوت و رسالت سایه وار حرکت می کرد و در کنار مهد عصمت و طهارت بود. تا سی و هفت سالگی در حجر ولایت مطلقه الهیه پدرش و تا چهل و هشت سالگی در کنار مهر و عاطفه امامت برادرش حضرت مجتبی عمر گذرانیده و یازده سال هم دوره امامت و ولایت مطلقه خود او بود. بنابراین دوران کودکی و جوانی کمال و امامت او در مهبط نزول وحی و مهد عصمت و دامان ولایت و ساحل امامت و مکتب ولایت ادامه داشته تا عاشورا که سن او پنجاه و هفت سال سال و هفت ماه بود. در تربیت حسین اسرار شرافت پاکیزگی فضیلت سعادت سیادت شهامت شجاعت استقامت و پافشاری در راه دین عزت و حمیت حفظ ناموس و حقوق دیگران دستگیری از بینوایان احقاق حق مستمندان تسلیم نشدن و زیر بار زور نرفتن طرفداری از حق و حقیقت نهفته است سجایایی که حسین از جد و پدر و مادرش به ارث برد برای احدی امکان پذیر نبود. در پرورشگاه محمدی شخصیت حسین عامل مؤثری در احیاء شریعت اسلام بود و مثل اعلای درس فضیلت و اخلاق گردید. دوستی حسین برای پیغمبر نه تنها از راه عاطفه فرزندانی بود، بلکه برای سفارشات بود که از زبان وحی گرفته و حسین را سبب جاودانگی و استمرار رسالت و نبوت خود شناخت حسین احیاگر مجد و عظمت اسلام و سبب ابقاء حیات اجتماعی مسلمین برای همیشه

حسین و نسب

امام حسین از حیث نسب ممتازترین انسان است زیرا جدش رسول خدا (ص)، مادرش فاطمه زهرا، پدرش علی مرتضی برادرش حسن مجتبی خواهرش زینب کبری و همسرش دختر یزدگرد پادشاه ساسانی است و این نسب برای احدی نیست

حسین و صورت و سیرت

خواند میر از شواهد النبوه نقل می کند که امام حسین (ع) صورتی زیبا و جمالی منور داشت که چون در خانه تاریک می نشست از سفیدی رخسار مبارکش محیط اطراف روشن می شد و همه می دانستند امام حسین (ع) است حسین بن علی شخصاً داری مزایایی بود که دیگران فاقد آن بودند و سرتاسر زندگیش عجیب بود؛ یکی آن که شش ماهه به دنیا آمد و دیگر آن که شهادتش بی نظیر بود. در قیام خونین او بسیاری از کلمات عملاً ترجمه شد که اگر حسین (ع) نبود این کلمات معنا نمی شد: عشق و اراده و صبر و فداکاری از جمله آن موارد است سالار شهیدان در حسن خلق تواضع ادب بخشش صله رحم راستی درستی عبادت فراست و ذکاوت شجاعت و شهامت آزادی و سعادت فداکاری و گذشت امیدواری و آرزو، شرافت و عشق مرام و مسلک صبر و بردباری سیاست ملی و مظلومیت اجتماعی دارای نبوغ فکری بود. این کلمات را چنان معنا کرد که تاکنون کسی چنین معنا نکرده است امام حسین (ع) سرباز با شخصیت و فداکار اسلام است که درس آزادی و فداکاری و مجد و عظمت را به مسلمین آموخت و در صورت و سیرت بی نظیر و ممتاز بود.

حسین بر دوش پیغمبر

شیبانی از عبدا.. بن شداد روایت می کند که پدرش گفته در یکی از اوقات نمازهای جماعت خدمت پیغمبر بودم ایشان حسن و حسین را بر دوش خود سوار کرده بود و چون نزدیک شد، آنها را بر زمین گذاشت آن گاه برای نماز جماعت تکبیر گفت

هنگام سجود خیلی طول کشید. من سر خود را بلند کردم دیدم حسین بر پشت پیغمبر (ص) سوار شده من دوباره به سجده رفتم چون نماز تمام شد، بعضی گفتند: یا رسول الله میان دو سجده آنقدر طول دادی که ما گمان کردیم امری حادث شده و یا وحی بر تو نازل شده فرمود: هیچ کدام از آنها نبود، فقط پسر حسین سوارم شده بود و من نخواستم او را پایین آورم صبر کردم تا خود فرود آید. ابوسعید خدری روایت کرده که حسین را دیدم دوان دوان نزد پیغمبر آمد. رسول خدا نماز می خواند و حسین به گردنش آویخت و پیغمبر با دست او را گرفت و تا به رکوع رفت او را نگاه داشت بخاری از ابوهریره نقل می کند که حسین و حسن نزد پیغمبر (ص) و در دامان مهر و عطوفت او بودند که هوا تاریک شد. پیغمبر (ص) فرمود بروید به حجره مادران گفتند تاریک است ما می ترسیم ناگاه نوری ظاهر شد یا برقی زد و فضا را روشن کرد. حسین به خانه مادر رفتند. ابو عمر بن عبدالله قرطبی نقل می کند که با چشم خود دیدم پیغمبر (ص) حسین را صدا می کرد و او از دامان رسول الله بالا می رفت آن گاه دهان حسین را می بوسید و می گفت خدایا من حسین را دوست دارم تو نیز او را دوست دار.

حسین و فدایی شدن ابراهیم

در ترجمه المستقصی نقل کرده اند که پیغمبر (ص) امام حسین را بر زانوی راست و ابراهیم را بر زانوی چپ خود نشانیده بود که جبرئیل نازل شد و گفت خدایت سلام می رساند و

می فرماید این دو فرزند را برای تو جمع نخواهد کرد و یکی را از تو باز خواهد گرفت اینک بیندیش و هر کدام را خواهی اختیار کن پیغمبر (ص) بر چهره حسین و ابراهیم نگریست و فرمود: اگر حسین وفات کند از مفارقت او دل من و علی و فاطمه هر سه خواهد سوخت ولی اگر ابراهیم وفات یافت اکثر درد و حزن نصیب من خواهد شد و انتقال ابراهیم را قبول نمود و او را فدای حسین کرد و پس از سه روز ابراهیم مریض شد و وفات یافت

حسین و لباس های مختلف

لباس معرف فرد و اجتماع است و با لباس می توان افراد و قبایل و ملل را از هم تشخیص داد. سادگی و بی آلایشی لباس نمونه سادگی و بی آلایشی روح است در روایتی مجلسی نقل می کند که در روز عید حسنین لباس رنگارنگ تن کودکان مردم دیدند و از جدشان لباس خواستند، جبرئیل لباس حریر سفید آورد و آن گاه آنان لباس رنگین خواستند. طشتی آوردند جبرئیل آب ریخت و لباس حسن سبز و لباس حسین سرخ شد در این موقع حسین پنج ساله بود. حسین (ع) دارای لباس های بهشتی بود؛ یعنی لباس مخصوص پیغمبر از تافته های نرم بود که فاطمه (س) تهیه کرده بود و بر او می پوشانید و می فرمود لباس بهشتی است حسین در بزرگی لباسش همانند لباس پیغمبر و پدرش علی بوده عمامه تیره رنگ پیراهن سفید، نعلین یمانی انگشتر عقیق در دست داشت و ابن زیاد برای وارد شدن به کوفه همین حيله را کرد که لباسی مانند لباس حسین پوشید و نقاب بر او انداخت تا کسی

او را نشناسد و آن گاه وارد دارالاماره شد.

چند روایت در مورد حسنین

«سئل رسول الله (ص) ایما اهل بیتک احب الیک قال (ص) الحسن و الحسین از پیغمبر (ص) پرسیدند کدام یک از اهل بیت خود را بیشتر دوست داری فرمود: حسن و حسین را. شیخ طوسی از حدیثی نقل می کند که پیغمبر (ص) فرمود: فرشته ای بر من نازل شد که تا آن وقت به زمین نیامده بود. سلام کرد «و ابشرنی ان ابنتی فاطمه سیده نساء اهل الجنة و ان الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة. شیخ طبرسی نقل می کند که پیغمبر (ص) فرمود: روز قیامت عرش خدا را به نور حق زینت می کنند. حسن طرف راست و حسین طرف چپ عرش قرار خواهند گرفت و در روایتی دیگر درباره علی فاطمه و حسن و حسین فرمود: هر کس با آنان جنگ آورد، من با او به جنگ می خیزم و هر آن که تسلیم آنها شود، من با او سر آشتی دارم رسول خدا (ص) دست حسنین را گرفت و فرمود: هر که من و این دو پسر و پدر آنها را دوست دارد، روز قیامت در صف من قرار خواهد گرفت عایشه روایت کرده یک روز صبح حسن و حسین و فاطمه و علی (ع) در زیر عبای پیغمبر (ص) جمع شدند. آن گاه رسول خدا (ص) فرمود: (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً). علاقه رسول خدا به این دو فرزند، بر همه اصحاب آشکار بوده و همانطور که درباره امام حسین (ع) گذشت پیامبر (ص) می کوشید تا مردم را از علاقه خود به این دو امام آگاه کرده و

حتی می فرمود: خدایا دوست بدار کسی که آنها را دوست بدارد: «من احبنی فلیحب هذین ، و فرمود: «من أحب الحسن والحسين فقد أحبني و من أبغضهما فقد أبغضني آن حضرت درباره این دو برادر فرمود: هما ریحانی من الدنيا»، درباره امام حسین (ع) فضایل اختصاصی نیز آمده است که یکی از مشهورترین آنها، روایت «حسین منی و أنا من حسین است یحیی ابن سالم موصلی که از غلامان امام حسین (ع) بود، می گوید: با امام در حرکت بودیم به خانه رسیدند و آب طلبیدند. کنیزی با قدحی پر از آب بیرون آمد. امام پیش از خوردن آب «فضه ای را درآورده به او دادند و فرمودند: این را به اهلت بسیار، آن گاه به نوشیدن آب پرداختند. از امام باقر (ع) روایت شده است که امام حسین (ع) در سفر حج پیاده حرکت می کرد، در حالی که چهار پایان او پشت سر او حرکت می کردند. نقل یک روایت هم در اخلاق امام حسین (ع) مناسب می نماید. ابن ابی الدنیا نقل کرده است که امام حسین (ع) بر گروهی از فقیران عبور می کرد که سفره شان پهن بود و غذایی فقیرانه داشتند. وقتی امام را دیدند، حضرت را دعوت کردند. آن حضرت پیاده شد و فرمود: (ان الله لا یحب المستکبرین آن گاه نشست و با آنها غذا خورد. پس از آن فرمود: شما دعوت کردید، من پیرفتم اکنون من شما را دعوت می کنم باید بپذیرید. پس از آن به رباب گفت تا هر چه آماده کرده بیاورد تا با هم بخورند. اشتغال حسن و حسین (ع) در حضور پیغمبر (ص) به بازی های

کشتی خط نویسی و «لعب المداحی چاله بازی با ریگ و گودال و خاک و مسابقه اسب سواری و تیر اندازی و سبقت در نماز و وضو و غیره بوده است سلمان فارسی روایت می کند که دیدم حسین در دامان پیغمبر (ص) بود و می فرمود: تو سید فرزند سیدی و پدر ساداتی تو امام فرزند امام و پدر ائمه هستی تو حجت فرزند حجت و پدر حجج خدایی نه تن از نسل تو حجت خدا هستند و نهمین آنها قائم ایشان است

خصال و مکارم اخلاق سیدالشهداء از زبان رسالت

شیخ صدوق در امالی از حدیث الیمان روایت می کند که دیدم رسول خدا دست حسین را گرفته و فرمود: یا ایها الناس هذا الحسین بن علی فاعرفوه فوالذی نفسی بیده انه لفی الجنة و محبیه فی الجنة و محبیه فی الجنة. ای گروه مردم این است حسین پسر علی بن ابیطالب او را بشناسید. قسم به خدایی که جان من بدست اوست حسین در بهشت است دوستان حسین در بهشت اند و دوستان دوستان او نیز در بهشت خواهند بود.

نماز گزاردن حسین بر پدر و برادر و خواهرش

طبری در تاریخ کبیر می نویسد: چون امیرالمؤمنین (ع) از جهان درگذشت حسن و حسین و عبدالله بن جعفر عامل غسل و کفن و دفن او شدند و او را در پارچه ای کفن کرده دفن نمودند و بر او نماز خواندند و حسن (ع) نه تکبیر بر جنازه پدر گفت

حسین و حج خانه خدا

مورد اتفاق مورخان است که حضرت حسین (ع) بیست و پنج سفر پیاده از مدینه به مکه برای حج رفته است یعنی در مدت عمر، که بیشتر سنوات آخر زندگی آن حضرت بوده بیست و پنج بار به خانه خدا رفته است

حسین و کمک به مستمندان و صفات ممتاز ایشان

باری حسین بن علی (ع) ظروف چوبی و قدح از پوست کدو داشته اند که در آن غذایی خوردند. آن حضرت دارای این صفات ممتاز بوده مهمان را گرمی می داشت سائل را محروم نمی کرد و آنقدر می داد که بی نیاز می شد. صلح ارحام می نموده و به تمام ارحام مقرری می داد تا بی نیاز گردند. با فقرا مجالست و معاشرت داشت و به درد دل آنها می رسید. پیاده ها را سوار می کرد. ارباب حوائج را به حاجت خود می رسانید. برهنه ها را می پوشانید. گرسنه ها را سیر می کرد. قرض مقروضین را ادا می نمود. پشتیبان ضعفا بود. دوست و شفیق ایتم بود. محتاجان را ضمانت و اعانت می کرد. هر مالی که برای او می رسید یک جا به سائل می داد تا دیگر گدایی نکند. امام حسین (ع) به سائلی که از راه دور سراغ خانه کریم آمده بود، از پشت در چهار هزار درهم یا دینار داد و از این که اندک است عذر خواست با این اخلاق و بخشش حسین (ع) تمام فامیل و اقارب و عشیره و همسایگان و اهل مدینه و قبایل بدوی و ارباب حوائج دور دست را فریفته ملکات اخلاقی خود نمود. در زیر آسمان مردی شجاع تر از حسین نبود، زیرا شرایط ابراز شجاعت در مواقع ابراز شجاعت پیغمبر (ص) و علی (ع) چنان نبود که در جنگ حسین (ع) موجود بود.

حسین و شرافت

امام حسین (ع) فطرتاً شریف بوده زیرا برای نجات ملت اسلام از هلاکت اضمحلال و مرگ همیشگی قیام کرد و با بیان حق و حقیقت معانی شرف و شرافت را در خلال مسافرت خود برای مردم ترجمه کرد و اگر حسین (ع) با کردار و گفتار خود

شرف را معنا نکرده بود، بسیاری دیگر از الفاظ واقعاً و در حقیقت بدون معنا در ابهام می ماندند! حسین بود که شرافت محمد (ص) و آل محمد را روشن کرد و با فداکاری و سعی و عمل خاندانش را در نجات بشر و هدایت و ارشاد جامعه با منطق عملی میرهن و ثابت نمود و خطر بزرگی که داشت مسلمین و اسلام را تهدید به مرگ می کرد، به شرافت نفس خود برطرف فرمود. اقتدار و عظمت و شرافت را برای پیروان اسلام ثابت کرد و درخشان ترین مظاهر صفات فاضله را که به شرافت ترجمه می شود، بر مردم بیان فرمود و ملیت اسلام را جاویدان فرمود. بزرگی به مردم و آزادگی است نه از مال و جاه و ملک زادگی است زخوی نکو مرد یابد شرف نه از پرتو و دودمان سلف که هر نیک و بد زاده آدمند زخوی نکو با شرف مردمند

حسین و صبر و شکیبایی

صبر و حوصله حسین به قدری بود که جبرئیل درباره صبر و عطش او گفت: آسمان از صبرش انگشت حیرت به دندان می گزد او آنقدر صبر می کند که پوست بدن اطفالش از تشنگی به هم جمع می شود و لب هایش از رطوبت خالی و خشک می گردد و باز هم به دشمن نفرین نمی کند، بلکه آنان را به دعا هدایت می فرماید و می گوید: خداوندا این قوم را هدایت فرما. «صغیرهم یمیته العطش و کبیرهم جلدہ منکمش .مورخان نوشته اند: به قدری صبر حسین در مصیبت با اهمیت و با عظمت بود که در روی کره زمین مصیبتی چون مصیبت او رخ نداده و بزرگ ترین آثار مصیبت او صبر حسین است

حسین و علم و دانش

امام حسین (ع) در دانش وارث مقام نبوت و مکان امانت و ولایت و عصمت و طهارت بوده علوم و دانش را از لسان وحی فرا گرفته و آنچه هم اخذ کرده به مرتبه علم الیقین او رسیده و لذا هرچه علما و فضلاهی مکتب اسلام مانند: ابن عباس و محمد حنفیه و.. خواستند حسین را از رأی خود منحرف کنند، چون علم الیقین در کار خود داشت مانند کوه پا برجا و استوار بر اجراء نقشه خود بود. اندیشه امام حسین مانند ساعت منظم کار می کرد و هیچ حادثه ای او را متزلزل نمی ساخت حسین (ع) از نظر روحی و جسمی شبیه پیغمبر اکرم (ص) می باشد. بزرگ آئینه ای بود در برابر حق که هر چه بود سراپا در اوست عکس پذیر

مراحل زندگی حسین بن علی

حسین بن علی (ع) مدت شش سال از دوران کودکی خود را در زمان جد بزرگوار خود سپری کرد و پس از رحلت آن حضرت مدت سی سال در کنار پدرش امیرالمؤمنین (ع) زندگی کرد و در حوادث مهم دوران خلافت ایشان به صورت فعال شرکت داشت امام حسین (ع) در جنگ های جمل صفین و نهروان حضور داشت و در کنار پدر به جنگ با پیمان شکنان و ظالمان پرداخت از آن حضرت خطبه ای از جنگ صفین نقل شده است که ضمن آن مردم را به جنگ ترغیب می کردند. امام حسین (ع) در مراحل مقدماتی صفین در گرفتن مسیر آب از دست شامیان نقش داشت امام علی (ع) پس از آن پیروزی فرمود: «هذا اول فتح ببرکه الحسین (ع)». زمانی عبیدالله بن عمر در صفین امام را صدا کرد و گفت که پدر تو

قریش را چنین و چنان کرده است امام او را متهم به پیروی از قاسطین کرده و فرمودند که اینان به زور اسلام را قبول کرده اند، اما در اصل مسلمان نشده اند. پس از شهادت امیرمؤمنان (ع) (در سال چهارم هجری مدت ده سال در صحنه سیاسی و اجتماعی در کنار برادر بزرگ خود حسن بن علی (ع) قرار داشت و پس از شهادت امام حسن (ع) (در سال پنجاه هجری به مدت ده سال در اوج قدرت معاویه بن ابی سفیان بارها با وی پنجه در افکند و پس از مرگ وی نیز در برابر حکومت پسرش یزید قیام کرد و در محرم سال ۶۱ هجری در کربلا به شهادت رسید. امام حسین (ع) در دوره امامت برادرش از سیاست وی دفاع می کرد. آن حضرت در برابر درخواست های مکرر مردم عراق برای آمدن آن حضرت به کوفه حتی پس از شهادت برادرش حاضر به قبول رأی آنها نشده و فرمودند: تا وقتی معاویه زنده است نباید دست به اقدامی زد. معنای این سخن آن بود که امام در فاصله ده سال به اجبار حکومت معاویه را تحمل کردند. این نکته مهمی در مواضع سیاسی امام حسین (ع) است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است دلیلش نیز آن است که ما، امام حسین (ع) را بیشتر از زاویه اقدام انقلابی اش در کربلا می شناسیم مناسبات امام و معاویه و گفتگوهایی که در مواقع مختلف صورت گرفته نشان از تسلیم ناپذیری امام از لحاظ سیاسی در برابر پذیرش مشروعیت قطعی معاویه است یکی از مهمترین دلایل نامه مفصل امام به معاویه است

که ضمن آن به حقایق زیادی درباره جنایات معاویه در حق شیعیان امام علی (ع) اشاره شده است امام در این نامه به معاویه نوشتند: من قصد جنگ و مخالفت با تو ندارم و... در جای دیگری نیز بلاذری خلاصه نامه را ذکر کرده که یک جمله اضافه دارد. در آنجا آورده که امام به معاویه نوشتند: «و ما أعلم فتنة أعظم من ولايتك هذه الامه . یعنی من فتنه ای سهمگین تر از حکومت تو بر این امت سراغ ندارم بعدها، وقتی معاویه رو در رو با حسین بن علی (ع) قرار گرفت به او گفت آیا شنیدی ما بر سر حجر و اصحاب و شیعیان پدرت چه آوردیم امام فرمود چه کردید؟ معاویه گفت آنها را کشتیم کفن کردیم نماز بر آنان خواندیم و دفن کردیم امام فرمود: اما اگر ما یاران تو را بکشیم نه آنها را کفن می کنیم و نه بر آنها نماز می خوانیم و نه دفن می کنیم آخرین بخش زندگانی امام حسین یعنی دوران امامت آن حضرت مهمترین بخش زندگی او به شمار می رود.

مبارزات حسین بن علی در دوران قبل از امامت

حسین بن علی (ع) از دوران نوجوانی که شاهد انحراف دستگاه حکومت اسلامی از مسیر اصلی خود بود، از موضعگیری های سیاسی پدر خود پیروی و حمایت می کرد؛ چنان که در زمان خلافت عمر بن خطاب روزی وارد مسجد شد و دید عمر بر فراز منبر نشسته است با دیدن این صحنه بالای منبر رفت و به عمر گفت از منبر پدرم پایین بیا و بالای منبر پدرت برو! عمر که قافیه را باخته بود، گفت پدرم منبر نداشت

آن گاه او را در کنار خود نشانید و پس از آن که از منبر پایین آمد، او را به منزل خود برد و پرسید: این سخن را چه کسی به تو یاد داده است او پاسخ داد: هیچ کس

در جبهه های نبرد با ناکثین و قاسطین

حسین بن علی (ع) در دوران خلافت پدرش امیر مؤمنان (ع)، در صحنه های سیاسی و نظامی در کنار آن حضرت قرار داشت او در هر سه جنگی که در این دوران برای پدر ارجمندهش پیش آمد، شرکت فعال داشت در جنگ جمل فرماندهی جناح چپ سپاه امیرمؤمنان (ع) به عهده وی بود و در جنگ صفین چه از راه سخنرانی های پرشور و تشویق یاران علی (ع) برای شرکت در جنگ و چه از رهگذر پیکار با قاسطین نقشی فعال داشت در جریان حکمیت نیز یکی از شهود این ماجرا، از طرف علی (ع) بود. حسین بن علی (ع) پس از شهادت علی (ع) در کنار برادر خویش رهبر و پیشوای وقت حسن بن علی (ع) قرار گرفت و هنگام حرکت نیروهای امام مجتبی (ع) به سمت شام همراه آن حضرت در صحنه های نظامی و پیشروی به سوی سپاه شام حضور داشت و هنگامی که معاویه به امام حسن (ع) پیشنهاد صلح کرد، امام حسن او و عبدالله بن جعفر را فرا خواند و درباره این پیشنهاد، با آن دو به گفتگو پرداخت و بالا-خره پس از متارکه جنگ و انعقاد پیمان صلح همراه برادرش به شهر مدینه بازگشت و همانجا اقامت گزید.

اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران امامت حسین

در زمان امام حسین (ع) انحراف از اصول و موازین اسلامی که از «سقیفه شروع شده و در زمان عثمان گسترش یافته بود، به اوج خود رسیده بود، در آن زمان معاویه که سالها از سوی خلیفه دوم و سوم بعنوان استاندار در منطقه شام حکومت کرده و موقعیت خود را کاملاً تثبیت

کرده بود، به نام خلیفه مسلمین سرنوشت و مقدرات کشور اسلامی را در دست گرفته حزب ضد اسلامی اموی را بر امت اسلام مسلط ساخته بود و به کمک عمال ستمگر و یغماگر خود مانند: زیاد بن ابیه عمرو بن عاص و... حکومت سلطنتی استبدادی تشکیل داده و چهره اسلام را وارونه ساخته بود. معاویه از یک سو، سیاست فشار سیاسی و اقتصادی را در مورد مسلمانان آزاده و راستین اعمال می کرد و با کشتار، قتل شکنجه و آزار و تحمیل فقر و گرسنگی بر آنان از هر گونه اعتراض و جنبش و مخالفت جلوگیری می کرد و از سوی دیگر، با احیای تبعیض های نژادی و رقابت های قبیله ای در میان قبائل آنان را به جان هم می انداخت و از این رهگذر نیروی آنان را تضعیف می کرد تا خطری از ناحیه آنان متوجه حکومت وی نگردد، و از سوی سوم به کمک عوامل مزدور خود با جعل حدیث و تفسیر و تأویل آیات قرآن به نفع خود، افکار عمومی را تخدیر کرده و به حکومت خودش وجهه مشروع و مقبول می بخشید. این سیاست ضد اسلامی به اضافه عوامل دیگری همچون ترویج فرقه های باطل نظیر: جبریه و مرجئه که از نظر عقیدتی با سیاست معاویه همسو بودند، آثار شوم و مرگباری در جامعه بوجود آورده و سکوت تلخ و ذلت باری را بر جامعه حکمفرما ساخته بود.

حسین و وفاداری در پیمان معاویه

حسین (ع) مثل اعلای فضیلت و کمال و ارشاد و هدایت بود. او در همه حال مصالح عمومی را بر منافع شخصی ترجیح می داد و دل نگران جامعه بود و در فکر استفاده شخصی نبود، بلکه همواره برای ملت

اسلام و برای واژگون کردن نظام امویان تلاش کرد. حسین با معاویه در صلح امام حسن پیمان بست که قیام نکنند و با آنکه معاویه به شرایط صلح عمل نکرد، حسین بن علی (ع) راضی نشد شخصیت خود را با نقض عهد و پیمان شکنی مانند معاویه خدشه دار نماید، لذا در پیمان با معاویه پایدار بود. هیچ کس نوشته حسین در تمام عمرش یک دفعه پیمان شکنی کرده باشد. شیخ مفید می نویسد: وقتی امام حسن (ع) در گذشت مردم کوفه و شیعیان علی (ع) از اطراف نامه نوشتند که حاضرند معاویه را خلع کرده و با او بیعت کنند ولی حسین بن علی (ع) قبول نکرد و فرمودند: «میان من و معاویه عهدیست که وجدان من اجازه نمی دهد، نقض عهد کنم بنا بر این تا معاویه زنده است من بر عهد خود پایدارم و چون او در گذرد من درباره تصمیم خود تجدید نظر خواهم نمود.»

مخالفت حسین با معاویه در بیعت یزید

ابن کثیر شامی می نویسد: معاویه در سال پنجاه و سه هجری از مردم برای یزید بیعت گرفت حسین (ع) از کسانی بود که با او مخالفت کرد و حاضر به بیعت نشد و اهل کوفه در این امر برای حسین (ع) نامه نوشته کسب تکلیف نمودند و اصرار داشتند که حسین به کوفه رود تا با او بیعت کنند و به معاویه بفهمانند که حاضر به قبول خلافت یزید نخواهند بود و جمعی بسیار هم برای این کار به مدینه آمدند که شاید حسین را به بیعت راضی کنند که اقلاً پس از معاویه قبول زمامداری کند. چنانکه پدرش پس از عثمان تقاضای مردم را قبول کرد. ولی ابی عبدالله به

آنان جواب منفی داد؛ زیرا نمی خواست نقض عهد کند و تا معاویه زنده است اختلاف و اغتشاش بر پا سازد. محمد حنفیه و ابو سعید خدری و مسیب بن نجیبه فرازی نیز اصرار داشتند ولی امام حسین (ع) آنها را قانع به صبر و بردباری کرد و فرمود در انتظار آینده باشید. امام حسین (ع) در تحولات اجتماعی و دعوت های متوالی در این ده سال بسیار سیاست روشنی را تعقیب کرد و با مردم با کمال تدبیر عمل نموده و همه را به آینده ای پرغوغا توجه داد. دربار یزید مرکز انواع فساد و گناه شده بود و بی دینی دربار او در جامعه چنان گسترش یافته بود که در دوران حکومت کوتاهش حتی محیط مقدسی همچون «مکه و مدینه نیز آلوده شده بود. یزید سرانجام جان خود را در راه هوسرانی از دست داد و افراط در شرابخواری سبب مسمومیت و مرگ وی گردید. او بیش از چهار سال پس از فاجعه عاشورا زنده نماند، اما این ننگ و رسوایی را برای ابد برای خاندان بنی امیه به ارث گذاشت به طوری که هر یک از خلفای اموی اندکی عقل و درایت داشتند از تکرار کارهای یزید پرهیز می کردند. شواهد و مدارک فساد و آلودگی یزید و زندگی ننگین و حکومت پلید وی به قدری زیاد است که طرح آنها از حدود این بحث فشرده خارج است

پیام آوران قیام کربلا

هر قیام و نهضتی از دو بخش «خون و «پیام تشکیل می گردد. مقصود از بخش خون مبارزات خونین و قیام مسلحانه است که مسلترم کشتن و کشته شدن و جانبازی در راه آرمان مقدس است

مقصود از بخش پیام نیز، رساندن و ابلاغ پیام انقلاب و بیان آرمان ها و اهداف آن است در پیروزی یک انقلاب اهمیت بخش دوم کمتر از بخش اول نیست زیرا اگر اهداف و آرمان های یک انقلاب در سطح جامعه تبیین نشود، انقلاب از حمایت و پشتیبانی مردم برخوردار نمی گردد و کانون اصلی بدست فراموشی سپرده می شود، و چه بسا گرفتار تحریف ها و دگرگونی ها می شود. با بررسی قیام مقدس امام حسین (ع) این دو بخش کاملاً در آن به چشم می خورد؛ زیرا انقلاب امام حسین (ع) تا عصر عاشورا مظهر بخش اول یعنی بخش خون و شهادت و ایثار خون بود و رهبر و پرچمدار آن نیز خود حسین (ع) بود در حالی که بخش دوم آن از عصر عاشورا آغاز گردید و پرچمدار آن امام زین العابدین و زینب کبری (س) بودند که پیام انقلاب و شهادت سرخ آن حضرت و یارانش را با سخنان آتشین خود به اطلاع افکار عمومی رساندند و طبل رسوایی حکومت پلید اموی را به صدا درآوردند. با توجه به تبلیغات بسیار گسترده و دامنه داری که حکومت اموی از زمان معاویه به بعد بر ضد اهل بیت (به ویژه در منطقه شام در راه انداخته بود، بی شک اگر بازماندگان حسین (ع) به افشاگری و بیدارسازی نمی پرداختند، دشمنان اسلام و مزدوران قدرت های وقت قیام و نهضت بزرگ و جاویدان آن حضرت را در طول تاریخ لوٹ می کردند و چهره آن را وارونه نشان می دادند.

آثار سیاسی رخداد کربلا در شیعه

واقعۀ کربلا از حوادث تعیین کننده در جریان تکوین شیعه در تاریخ است می دانیم که مبانی تشیع به ویژه اساسی ترین آنها در اصل

آن یعنی امامت در قرآن و سنت یافت می شود. اما جدایی تاریخی شیعه از دیگر گروه های موجود در جامعه به تدریج صورت گرفته است سنت و اندیشه ای که از دوره خلافت امام علی (ع) به یادگارمانند، تا حدودی به شیعه از لحاظ فکری انسجام بخشید. حمایت امویان از اسلام ساخته خودشان که سیاست گزاری های معاویه اجازه نداده بود، ماهیت و فاصله آن با اسلام واقعی آشکار شود، در جریان به خلافت رسیدن یزید و ضوح بیشتری یافت در حادثه کربلا جدایی تاریخی شیعه از سایر گروه هایی که تحت تأثیر اسلام مورد حمایت امویان بودند. قطعی شد. از آن پس تشخیص و تشخیص شیعه از دیگر گروه ها گروهی که از سنت و سیره علی و جانشینان او پیروی می کردند کاملاً ممکن بود. در میان شیعیان گروهی از هر حیث تابع ائمه بوده و آنها را وصی پیامبر (ص) و منتخب او می دانستند. از سوی دیگر گروه هایی از مردم عراق و بعضی مناطق دیگر تنها برتری علویان را بر امویان در نظر داشته و تشیع آنها در همین حد بود. افرادی که در کربلا در کنار امام حسین (ع) در شهادت رسیدند، از شیعیانی بودند که امامت را تنها حق علی (ع) و فرزندان او می دانستند. خود امام (ع) در موارد متعددی از مردم خواست تا حق را به اهلش بسپارند و او را یاری کنند، زیرا امویان غاصب این حق هستند.

حکمت شهادت امام حسین

جنبش کربلا- به عنوان یک نهضت مقدس مذهبی و یک حرکت سیاسی از نوع انقلابی آن پایدارترین جنبش در فرهنگ سیاسی شیعه است این جنبش نهضتی برای احیای احکام دین

زدودن انحرافات دینی و سیاسی و جایگزین کردن حکومتی علوی به جای نظام اموی بوده است جنبش کربلا- از زاویه دستیابی به اهداف خود حاوی نوعی شکست و نوعی پیروزی بود. شکست سیاسی با توجه به پذیرفتن این که هدف سرنگونی حکومت اموی و ایجاد دولتی علوی بوده است پیروزی معنوی به دلیل تحکیم آرمان های معنوی اصیل و دینی در جامعه اسلامی اگر کسی سرنگونی حکومت اموی را در شمار اهداف امام حسین (ع) نیاورد، شاید شکست سیاسی را هم نپذیرد. حقیقت آن است که جنبش کربلا را باید آخرین تلاش سیاسی ممکن برای بازگرداندن حکومت به آل علی (ع) تلقی کرد. کوچکترین تردیدی وجود ندارد که امام علی (ع) حق خویش را پس از رسول خدا(ص) از دست رفته می دید، اما به دلایلی سکوت کرد. پس از عمر، انتظار آن را داشت تا حق به حق دار بازگردد. در این باره خود و شیعیانش نظیر مقداد و عمار تلاش کردند، اما این تلاش ها به جایی نرسید. پس از آن در دوره عثمان امام چنین احساس کرد که در شرایط جدید، رهبری جامعه چشم اندازموفق نمی دارد، با این حال اصرار مردم او را امیدوار کرد. این امید در طی چهارسال و نه ماه اقدامات سخت امام برای رهبری صحیح بر باد رفت تلاش محدود و نومیدانه امام حسن (ع) هم به سرعت در هم شکسته شد. اکنون باید انتظار بیست ساله ای تا مرگ معاویه مطرح می شد. امام حسین (ع) این مدت را صبر کرد، گرچه در این مدت اعتراضاتی بر معاویه در زمینه های سیاسی به ویژه قتل برخی شیعیان داشت در سالهای آخر حیات

ننگین معاویه سخن از ولایت عهدی یزید به میان آمد، امام حسین (ع) مخالفت کرد، اما چندان امیدی نبود. با این حال امام در مقام امامت نمی توانست تحمل کند. با روی کار آمدن یزید، امام از روی اعتراض به مکه آمد. اینجا بود که روزنه امیدی از سمت شرق گشوده شد. عراق چند بار تجربه نامیمونی را پشت سر گذاشته بود، اما چه می شد کرد. اگر قرار بود اقدامی صورت گیرد، نه در شام و حجاز بلکه فقط در عراق ممکن بود. آیا ممکن بود که یک بار دیگر به کمک مسلمانان عراق که شیعیان در آن بودند، حکومت اموی را سرنگون کرد و دولت علوی را برپا نمود؟ ظاهر امر، یعنی حمایت های گسترده ای که خیر آنها به امام رسید، این امر را تا اندازه ای تأیید می کرد. امام فرصت را از دست نداد اما وقتی به کوفه نزدیک شد، اوضاع دگرگون شده بود. او در برابر سپاه ابن زیاد قرار گرفت سخن از تسلیم شدن و بیعت با یزید بود. امام نپذیرفت نتیجه آن شد که همراه یاران محدودش در کربلا به شهادت رسید. علامه مجلسی می نویسد: و باید دانست که مذلت های دنیا موجب مزید عزت ایشان است و دوست خدا به اینها ذلیل نمی گردد. آنها که خواستند ایشان را ذلیل گردانند، اکنون نام ایشان به غیر از لعن و نفرین در زمین مذکور نمی شود و نسل های ایشان منقرض شدند و نشانی از قبرهای ایشان نیست و حق تعالی نام آن بزرگواران را بلند گردانیده و علوم و کمالات ایشان عالم را فرا گرفته و دوست و دشمن بر ایشان در نماز و غیر نماز صلوات می فرستند و

به شفاعت ایشان در درگاه خدا حاجت می طلبند، و رئوس منابر و مناره ها را و وجوه دنانیر و دراهم را به نام نامی ایشان مزین می گردانند، و پادشاهان روی زمین و سلاطین باتمکین به طوع و رغبت از روی اخلاص روی بر خاک آستان ایشان می مالند، و هر روز چندین هزار کس به برکت زیارت ایشان مغفور می گردند، چندین هزار کس به برکت لعنت بر دشمنان ایشان مستحق بهشت می گردند، و چندین هزار کس از برکت گریستن بر ایشان و محزون گردیدن از مصائب ایشان صحیفه سیئات خود را از لوٹ گناه می شویند، و چندین هزار کس به برکت اخبار و نشر آثار ایشان به سعادات ابدی فایز می گردند، و چندین هزار کس به برکت احادیث ایشان به درجه معرفت و یقین می رسند، و چندین هزار کس به متابعت آثار ایشان و اقتدای به سنت ایشان به مکارم اخلاق و محاسن آداب محلی می گردند، و چندین هزار کور ظاهر و باطن در روضات مقدسات ایشان شفا می یابند و آلف و الوف از مبتلای به بلاهای جسمانی و روحانی از دارالشفای بیوت رفیعه و علوم منیعه ایشان صحت می یابند.

سخن آخر

زندگانی پنجاه و هفت ساله حسین (ع) قدم به قدم اعجاز انگیز بوده از مولود و میلاد، از شیرخوارگی و کودکی از شباب و جوانی از شجاعت و شهامت از جود و بخشش از وفا و صداقت از حفظ ناموس و احترام قانون از حمایت مظلوم و خصم ظالم از عبادت و فضیلت از مسافرت و معاشرت و حتی شهادتش همه حیرت آور است راستی این چه رازی است که پاکان تاریخ عموماً

مظلومان تاریخ هستند؟ گویا این یک سنت تاریخی است که مظلومان تلخی ستم را بر خود هموار کنند، و آوارگی را بپذیرند، تا بتوانند مظلومان را نصرت و آوارگان بشری را به سامان برسانند.

نتیجه گیری

حسین بن علی از جهات فضیلت و کمال اخلاقی بر همه کس برتری داشته است حسین (ع) از جهت امامت و ولایت با پدر و برادرش در یک سطح قرار داشته اند و سایر ائمه هدی هم در همان صف بوده اند، ولی هر یک از آنها در بروز خصال و مکارم شخصی یک اهمیت و مزیت خاصی داشته اند و از میان همه آنها حسین ویژگی خاصی دارد، زیرا او مکتب تربیتی خاصی گشود و در مکتب عملی خود درس فضیلت و اخلاق داد و روش اخلاقی او و پرورش تربیتی او چنان بود که پیغمبر (ص) و علی (ع) و خلفا و اصحاب همه در اکرام و احترام او تأکید و مبالغه داشتند و حتی معاویه که رقیب سرسخت او و پدرش برادرش بود در حضور و غیاب به حسین نهایت احترام را می کرد و اعتراف به مقام و فضیلت او می نمود. امام حسین سرباز با شخصیت و فداکار اسلام بود که درس آزادی و فداکاری و مجد و عظمت به مسلمین آموخت و در صورت و سیرت بی نظیر و ممتاز بود، و باید همه زندگانی امام حسین را همچون مشعل فروزان الگو و پیشرو همه جانبه راه زندگانی خود قرار دهند. ای که مأیوس از همه سویی به سوی عشق رو کن قبله دل هاست این دل هرچه خواهی آرزو کن در آتش خشم ایزدی سوخته کیست هر کس که نمود قصد آزار حسین

چکیده

إِنَّ الْحُسَيْنَ - مَضِيَّ بَاحٍ مُّهْدِيٍّ وَ سَيِّفِيْنَهٗ مُنْجَاهٍ تَارِيْخِ گزشته تو مار بازی است در برابر تو مار بسته آینده به وسیله این تو مار باز، باید بخش بسته را گشود و خطوط حرکت آینده را ترسیم کرد، و از زندگانی

گذشتگان درس هایی فراوان آموخت این مقاله براساس سرگذشت و زندگانی مقدس سرور و سالار شهیدان امام حسین (ع) تنظیم گردیده و هدف از نوشتن این مقاله یادآوری و الگو قراردادن زندگانی مبارک ایشان همانند مشعل فروزان در مسیر زندگی همه می باشد. امام حسین (ع) از جهات فضیلت و کمال اخلاقی بر همه کس برتری و رجحان داشته است عشق و اراده صبر و فداکاری حسن خلق تواضع ادب بخشش صله رحم راستی درستی عبادت فراست و ذکاوت شجاعت و شهامت آزادی و سعادت فداکاری و گذشت امیدواری و آرزو، شرافت و عشق مرام و مسلک سیاست ملی و مظلومیت اجتماعی بر همه کس صراحت دارد که اگر حسین (ع) نبود این کلمات معنا نمی شد. حسین (ع) از جهت امامت و ولایت با پدر و برادرش در یک سطح قرار داشته اند و سایر ائمه هدی هم در همان صف بوده اند ولی هر یک از آنها در بروز خصال و مکارم شخصی یک اهمیت و مزیت خاصی داشته اند و از میان همه آنها حسین (ع) ویژگی خاصی دارد، زیرا او مکتب تربیتی خاصی گشود و در مکتب عملی خود درس فضیلت و اخلاق داد و روش اخلاقی او و پرورش تربیتی او چنان بود که پیغمبر (ص) و علی (ع) و خلفا و اصحاب همه در اکرام و احترام او تأکید و مبالغه داشتند و حتی معاویه که رقیب سرسخت او، پدرش و برادرش بود حضوراً و غیاباً نسبت به حسین نهایت احترام می کرد و اعتراف به مقام و فضیلت

او می نمود. ای که مایوس از همه سوئی به سوی عشق رو کن قبله دلهاست این دل هر چه خواهی آرزو کن

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

